

و روحیون (اسپرینیست) و غیره در میان بزرگترین علمای امروزی آنرا ثابت میکند. ما بتمام این سؤالات نیز جواب خواهیم داد.

## قسمت اجتماعی

### مدنیت و مفهوم صحیح آن

بقلم دکتر رضا توفیق فیلسوف  
بقیه از شماره قبل

خیلی شایان دقت است که پیران و جوانان امم بر اینگونه ملاحظات متفق نمی‌شوند و هرگز نشده‌اند. نسل جوان دائماً طرفدار تجدد و متمایل بطرز نوین زندگانی می‌باشد. این میل تجددپرورانه در فطرت جوانی و این غیرت محافظه‌کارانه در مزاج پیری جلوه روحی است و مقتضای طبیعت!... زیرا مزاج پیران بتحکم اعتیاد چون مرمر تراشیده صورتی معین پذیرفته است و معلوم است که اعتیاد طبیعت ثانی است. خصوصاً که سرمایه زندگانی در نظر پیران تجربه دیده عبارت از خاطرات گذشته میباشد. حال آنکه طبیعت جوانی چون گل کوزه گران نرمین و قابل هر شکل است و در نظر جوانان معنی حیات، امید استقبال است. دور آینده باید از دور گذشته چیزی دیگر و بهتر باشد. چیزی نادیده و نواسلوب باشد و الا امکان پیشرفتن نیست.

بهمین سبب محض است که در همه جا مردم — در بحث ترقی و تشبث اصلاحات — منقسم به دو فرقه متعارفی می‌شوند: فرقه محافظه‌کار و فرقه تجددپرور!... آنانکه مغرور به اصالت آبادانی ملی و متمسک بطرز زندگانی نیاکان هستند، بهمه حال

تقالید و عادات دیرینه را با کمال غیرت محافظه میکنند و در این باب عصیت دارند. این قضیه مشهور عالم است. چون دین و آئین و عادات و زبان مادرزاد و ادبیات آئینه مضویت ملی است و از این وجه يك حیثیت تاریخی دارد، — هر چند که بقانون تکامل منقاد شده باشد — بآسانی متغیر نشود. خلاصه معلوم است که چنین ارکان (یعنی دین و زبان الی آخره) مدار قیام هر جماعت و مهمترین قوای حافظه شمرده شده است سبب این است که در امر اصلاحات وقتاً که مردم منقسم به دو فرقه شده در میدان مجادله دست بگریبان یکدیگر دارند، محافظه کلران امت دائماً دین و عادات و همه این گونه ارکان را — بان سلاح مدافعه و زره محافظه — استعمال میکنند. از جهت دیگر جوانان تجدد پرور هم، خوب میفهمند و اذعان مینمایند که اهم موانع دروادی اصلاحات اجتماعی همین ارکان است؛ بنا بر این بر دین و عادات هم از تعدی و معارضه توقی نمیکند. اکثراً در عالم شرق از این روی فساد اجتماعی و اختلالات داخلی پیدا می‌شود. امثال این حادثه بسیار است و موقع مساعد نیست که همه‌شان یگانه یگانه ذکر و شرح بکنیم.

و ظن پروران باید این حادثه را در نظر داشته باشند، زیرا در تشبث اصلاحات، این حادثه اهم وقوعات است که پیدا می‌شود و سبب ناتوانی مملکت میباشد. پس اینگونه واقعه در زمان شورش و بحران تهلکه‌ایست بزرگ!

در این مقام سؤالی مهم وارد می‌شود که جای ملاحظه کردن و محتاج جواب است:

« آیا از آن دو فرقه کدامین دارای حق است و از آن دو مسلك کدامین صوابتر؟! »

یکی از حکمای انگلستان این سؤال مقدر را بطرز تشبیه خوب جواب داده است، چنانکه اینجا ذکر سخنش مفید می‌باشد. حکیم انگلیسی می‌گوید که:

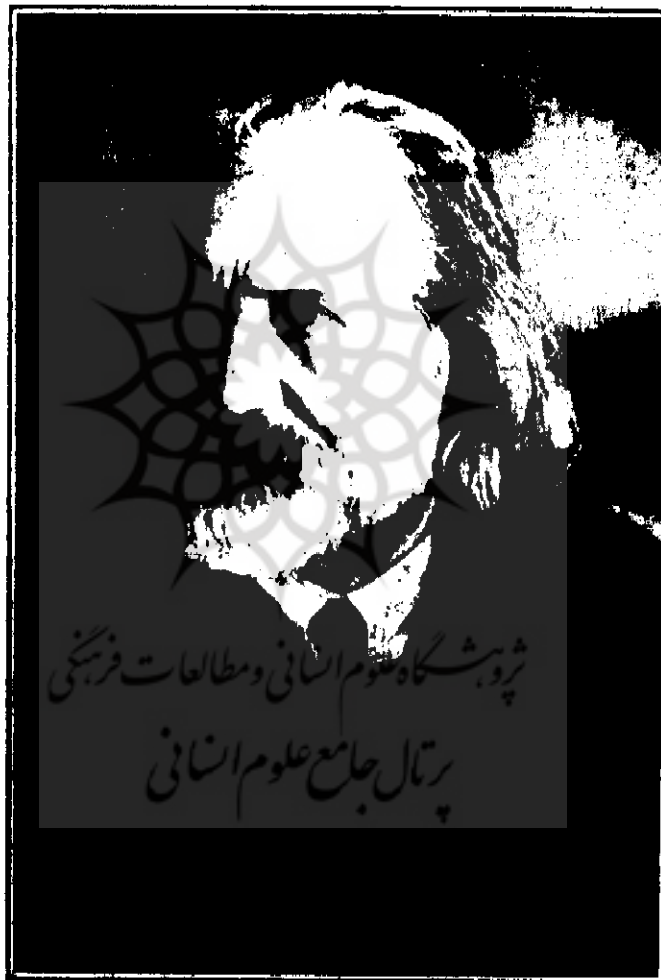
«اداره کردن يك جماعت على الاطلاق به اداره کردن يك سفینه خیلی مشابهت دارد. همت ترقی پرورانه فی المثل چون بادبان گشاده است که بی شك بتأثیر باد وزان واسطهٔ پیشرفت سفینه است. ولی غیرت محافظه کارانه بسان حموله است که موازنهٔ سفینه را در هنگام سفرش تأمین میکند. اگر حموله نبودی کشتی از شدت باد وزان زیر و زبر و مغروق شدی و اگر بادبان نبودی پیش رفتی. بنا بر این جای شك نیست که تأمین سیر و سفر بدون نهلکه تنها موازنهٔ این دو قوت ممکن می‌باشد.»

این ملاحظه هر چند که بطرز تشبیه واقع شده باشد، بدرستی بیان حقیقت میکند و جواب آن سؤال مقدر از عبارتش آشکار است. یعنی محقق است که این دو مسلک دو عامل اساسی است در ادارهٔ اجتماعی. پس جای سؤال نیست که کدامین خطا یا صواب است. هنر اداره کردن فقط عبارت از محافظهٔ موازنه و تأمین پیش رفتن کشتی است، تا در هنگام سفر سفینه غرق نشود و یا بصدمة امواج خروشان در میان سنگسار سواحل پاره پاره نباشد. تأمین این مقصد ممکن نشود الا بموازنهٔ متقابلهٔ آن دو قوت!...

تاریخ سیاسی امم گواهی میدهد بر حقیقتی که در این بحث و در این موضع شایستهٔ قید و تذکار است:

امتی که بمجرد الهام روحش دینی تماماً موافق بطبع و مزاج خودش پیدا کرده و بمیل و مقتضای ذوقش ادبیات و صنعتی پرداخته است و بنا بر این جملهٔ احکام، اخلاقی ملایم بمعاشرت و مدنیت خودش دارد، ملتی داهی است و اصیل! یعنی محضاً بقدرت مغنویت

خودش يك طرز آبادانی پیدا کرده است که مأل خودش و موافق  
طبع و ذوق خودش میباشد!  
امتی دارای چنین خصایل اگر غیرت محافظه کاری نماید،  
خیلی معنی‌دار است و چنین غیرت را محضاً اثر عناد نتوان شمرد.



فاضل محترم دکتر رضا توفیق فیلسوف

بالعکس این وضع خلافگیری دلیل بدیهی است بعقائد راسخه و  
بعادات محکمه‌اش!

مثلاً در تاریخ ایران واقعه‌ای است خیلی مشهور: منوران

ایران میداند که «بهرام چوینه» مردی صاحب‌ظهور و قهرمان بود و در هنگامه بحران با زور بازو و رأی رزینش ایران را از موت محقق خلاص کرد و از این‌روی پرستیده امت ایران شد و زمام اداره ملک را بدست همتش گرفته فعلاً اجرای پادشاهی کرد و توانا تر از اکثر پادشاهان پیشین آمد. ولی وقتا که باصلاحات دینی و اجتماعی عزم نمود و تشبث کرد، فتنه بزرگ اندر میان پیدا شد و صنف مؤبدان، آن یل فرزانه و ترقی پرور را معزول و مخدول کردند و موفق نشد.

كذلك مثالی دیگر در تاریخ سیاسی انگلستان هم خیلی مشهور است:

«کرومول» صاحب‌ظهوری تماماً هم مزاج بهرام چوینه بود، بقدرت اراده و عزم و همت. خوب میدانیم که اراده‌ای خارق عاده بنمود تا ترتیب اجتماعی انگلستان و شکل حکومتش را تغییر نام بدهد، خصوصاً اداره دموکراسی و شکل جمهوری را در انگلستان تأسیس بکند. بر پادشاه انگلیس و طرفدارانش غالب آمد و پادشاه را جلوی پارلمان اعدام و پارلمان را تذلیل و سد و بند کرد و بر بالای طاقش لوحه آویخت که «اینجا دکان ذغال‌فروشی است». در زمان حیاتش حاکم علی‌الاطلاق بود بر مقدرات امت و مملکت؛ ولی فوراً در عقب نماتش، امت انگلیس بترتیب قدیم اجتماعی و سیاسی رجوع کرد. پادشاهی دیگر تخت نشین آمد. همانا هیچ چیزی از تعدیلات و اصلاحات کرومول باقی نماند. سبب این غریبه تاریخی و سیاسی این است که ترتیب اجتماعی و اصول سیاسی انگلستان بسی استوار و آهنگدار و عزم جمهور امت قویتر از اراده آن صاحب‌ظهور بود.

از این دو مثال مهم و مشهور يك نکته حکمت مفهوم می

شود که اگر جماعت، دارای تشکیلات نباشد و قوام ندارد، به انقلاب فوری مستعد می‌باشد. اگر يك صاحب‌ظهور و هنگامه‌گیر قوی دست در وقت مناسب پیدا شود، به آسانی ایقاع اختلال بتواند بکند. و اگر نیتی خالص دارد، ممکن است که هیئت اجتماعی و شکل حکومت را سر تا پا تبدیل کرده اسلوب نوین و ترتیب بهترینش بیخشد و بدین وجه عامل ترقی بشود. این هم در تاریخ کثیراً واقع است. ولی اگر نیت و مزاج آن صاحب‌ظهور بد باشد، نتیجه کار برعکس می‌شود و استبداد نظامی جانشین سلطنت و رهن پيشرفت مردم و قاتل آزادگی افراد می‌باشد. در این تقدیر ضرر انقلاب از منفعتش خیلی بزرگتر آید (۱). در این مباحث و در این گونه تشبثات باید این کیفیت را در خاطر داشت که لزوم انقلاب نه تنها برای دیگر گون شدن است!... بلکه برای بهتر و آزاده‌تر و توانگرتر شدن است. خلاصه بهر بختیاری است! بنا بر این ملتی که ضرورت اصلاحات را ادراك کرده و عزم تشبث نموده و بمیدان آمدن يك صاحب‌ظهور و عامل آهنین دست منتظر می‌باشد، باید بیدار شود و بداند که چه میخواهد و چگونه وسائط باید امل خودش را بساحه تحقیق بیاورد. زیرا اگر ملت حتی تا يك درجه بیدار و منور نباشد و نداند که اخص آمالش چیست البته تحقق آمل ملی هرگز میسر نشود!

بلی! فرزندانگان امت و مدبران امور دولت که در هر جماعتی عامل ترقی و نگهبان آسایش و آبادانی هستند باید این مسئله را دانسته و ملاحظه کرده باشند:

۱ — تاریخ آبادانی نیاکان را باید دانست.

۲ — اصول و ارکان مدنیت اروپا و قیمت معنویش را باید

[۱] امثال این واقعه هم در تاریخ بسیار است.

بدانند تا بتوانند قیاس بکنند کدامین بهتر و موافق ایجابات عصر ما است؛ و از کدام جهت بر یکدیگر سبب رجحان دارند.

۳ — اگر مدنیت ییکانه را روی قبول بنمایند، نتیجه چه خواهد شد و اینگونه تبدلات چگونه تأثیرات خواهد نمود بر عادات و اخلاق و عقائد مقدسه نیاکان.

۴ — آیا اسباب موجهه و عوامل مجبره موجود است برای تغییر ترتیب قدیم یا نه؟ اگر هست آن ضرورات عادی، اداری، اقتصادی و اخلاقی و اجتماعی را باید خوب تتبع کرد.

۵ — اگر مدنیت اروپا را تماماً قبول کنیم آیا ممکن است که بعضی از ارکان مدنیت نیاکان خود را از تغییر کلی وارسته و محفوظ داشته باشیم؟

این ملاحظات که برای تنبیه عرض کرده‌ام، از قبیل نظریات است و بس؛ باید بهمه حال خبردار شدن از چنین مسائل. ولی در نفس امر و حقیقت حال، انقلابی در جهان واقع نشده است که نتیجه محاکمات و مقررات عقل شده باشد. حقیقت این است که همه انقلابها از اختلال موازنه اجتماعی واقع می‌شوند و اسباب این حادثه ضرورات مادی و اقتصادی است. اگر اسباب مستحضر و زمان مساعد باشد انقلاب امر طبیعی است و مردمان کلر برداز در این هنگامه اسباب حقیقی نیستند، و تنها وسائط و عوامل هستند و بس! انقلاب حقیقی بسان زلزله می‌آید و اسبابش خارج از ارادت ما است. ولی بهتر باشد اگر بدانیم که در آن وقت هولناک چگونه تدبیر باید کرد. بتجربه و بگواهی تاریخ خوب میدانیم که در هنگامه اختلال و انقلاب زمام اداره در دست عقل و حکمت نباشد، در دست آهنین يك صاحب‌ظهور میباشد که او قوای زنده امت را تصرف میکند و بوفق اراده و نیت خودش کار

پردازی مینماید. بنا بر این اگر آن صاحب‌ظهور در جماعتش حاکم یگانه نباشد و صحیحاً اندر دل خویش آتشکده حمیت دارد، یاری و یآوری فرزانشان امت میتواند در ساحة اصلاحات اثری خوب پیدا بکند.

همه منوران ایران که از تاریخ عالم خبردار هستند، میداند که «واشینگتن» آمریکای شمالی را از سوء اداره انگلیس بعزم خودش و بقدرت مادی و معنوی امتش رها کرد. ولی تنزل نکرد که بسان ناپولئون متغلب و دیکتاتور بشود. اگر چنین سوء نیتی داشتی در آن هنگامه حشرونشر موفقیتش دشوار نبود. لیک مزاجی پاکیزه و نیتی مقدس داشت و برای رها کردن امت يك پیغمبر سیاسی شد.

پس از این مطالعات که بسان مقدمه نگاشته شده است، باید بالخاصه مسئله مدنیت را تدقیق و ملاحظه بکنیم؛ زیرا این مبحث موضوع اساسی ما است.

بقیه دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مطبوعات تازه

## ایران مشروح و مصور

Persien in Wort und Bild

کتابی است که بتازگی در برلین در زبان آلمانی بچاپ رسیده و از تألیفات دیپلومات و مستشرق محترم فریدریک روزن وزیر سابق امور خارجه آلمان که در میان شرقشناسان نیز مقام بزرگی